

مصاحبه با برادر محمود شاهرخی (شاعر)

تحولی که انقلاب دره

وحد بین مجاز و غیر مجاز آن را مشخص نماید و اینها مستلزم وقت است ولی بهره‌جست باید فکری اساسی و عاجل برای آن نمود زیرا که کارائی هنر را در انتقال فرهنگ به ذهن و اندیشه جامعه، نمیتوان انکار کرد.

و ما باتمام این دشواریها امیدواریم که با اخلاص و حسن نیتی که در زعمای دولت و صاحب نظران از اهل فن وجود دارد هنر مقام واقعی و شایسته خود را در جمهوری اسلامی بیاید و در جهت پیشبرد فرهنگ اسلامی قرار گیرد.

چیزیکه این امید را صدچندان میکند وجود برادر ارجمندمان جناب حجت الاسلام خامنه‌ای که خود از بزرگان صاحب نظر در امور هنری و ادبی هستند در اس قوای اجرائی دولت است انشاءالله درین باره گامهای مثبت و اساسی برداشته خواهد شد.

دارد بلکه اسلام معتقد است هر حرکتی که از انسان سرمیزند و هر عملی و اقدامی که از او صادر میشود هر چند بطور فرعی و جنبی دارای فوائد مادی و زمینی باشد لیکن در باطن و نفس الامر باید حرکت انسان را بسوی کمال تسریع کند و او را در جهت اعتلای به مقام معهود انسانی و وصول بکمال مطلق رهنمون و مددکار گردد. و جالب تر آنکه حتی در مرحله نیت و اندیشه که پیش از عمل و اقدام است اسلام انسان را معاقب و مسئول می‌شناسد چنانکه در قرآن کریم سوره اسراء آیه ۳۶ چنین آمده است:

«ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً یعنی همانا گوش و چشم و قلب به جملگی در پیشگاه خداوند مسئولند و مورد بازپرسی قرار میگیرند پس اسلام با چنین معیاری هر چیزی از جمله

جز آن مقدار تحرک و تحولی که در ذات خود انقلاب بوده و از ژرفای آن جوشیده و یا حرکتها و اقدامات پراکنده‌ای که در گوشه و کنار انجام گرفته، قدم اساسی در مورد هنر برداشته نشده و جهت گیری آن در خدمت مکتب معین نگردیده است.

هنر می‌سجد اگر آن چیز در دین جهت بکار گرفته شده و حرکت کمالی انسان را تسریع میکند مطلوبست و گرنه زیانمند و نامطلوب البته این یک تعریف کلی است که نیازمند شرح و بسط است که اکنون فرصت آن نیست و اما آیا انقلاب اسلامی توانسته که این مرز را مشخص کند و هنر را در جهت کمال مطلوب بکار گیرد باید گفت: هنوز، جز آن مقدار تحرک و تحولی که در ذات خود انقلاب بوده و از ژرفای آن جوشیده و یا حرکتها و اقدامات پراکنده‌ای که در گوشه و کنار انجام گرفته هنوز قدم اساسی در مورد هنر برداشته نشده و جهت گیری آن در خدمت مکتب تعیین نگردیده است، و این هم طبیعی است، از آن جهت که دست اندرکاران و دولت مردان آنچنان درگیر دشواریها و مشکلاتند که هنوز فرصت آن را نیافته‌اند که بدین مقولات بپردازند و افراد بصیر و صاحب نظر را جذب کرده و از فقها و اهل فن بخواهند که مسیر هنر را مشخص کنند زیرا که بعضی از رشته‌های هنری مانند موسیقی آنچنان پیچیده و دقیق است که هیچ فقیهی نمیتواند سادگی در باره آن حکم صادر کند.

سومین سالگرد خونبار انقلاب اسلامی مان را غنیمت شمریم بر آنکه جستجوی داشته باشیم پیرامون نقش انقلاب در هنر و ادبیات معاصر و تغییر و تحولاتی که الزاماً بدنبال آن در این مقوله بوجود آمده است قسمت نخست این کنکاش مصاحبه ایست با برادر محمود شاهرخی، شاعر که ذیلاً میآوریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

در باره زندگی شخصی و هنری سوال کردید باید عرض کنم که من یکی از احاد و افراد این مردم که با آنها زندگی میکنم باشادیهامان شاد باشادیهامان غمگین میشوم و و جیزی زاندر این ندارم. و اما موضوع فعالیت هنری و مراحل تجربی کار من؟ باید بگویم که بقول اهل منطق این سالبه ای است به انتفاع موضوع، یعنی هنری وجود ندارد تا بحث از مراحلش شود و اگر این پاسخ را بسوء ادب تعبیر میکنید و الزاماً باید بگویم من از اهالی کرمان در سال ۱۳۰۶ در شهریم متولد شده‌ام تحصیلات چندانی ندارم مدتی هم درس لک محصلین علوم قدیم و طلاب دانش دین بوده‌ام که ازین رهگذر هم کسب فضیلت و کمالی نکرده‌ام تا پیش از پیروزی انقلاب کارمند بخش خصوصی بوده‌ام و پس از پیروزی انقلاب در صدام جمهوری اسلامی در کنار عده‌ای از برادران که بسابقه عشق و وظیفه در اینجا بکار مشغولند من هم سهمی اندک و نقشی ناچیز دارم.

س - کوشش هائی که امروز بنام هنر میشود بنظر شما ناشی از ضرورت و زمینه‌ای است که انقلاب اسلامی مابوجود آورده یا نه ادامه همان حدود فرض شده قبل از انقلاب است یا هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

ج - البته امروز کوشش هائی در زمینه هنر معمول میگردد و اقداماتی پراکنده در جریانست اما بعزت عدم پشتوانه و در برخی موارد به سبب مشخص نبودن خط مشی هنر از دیدگاه مکتب هنوز قدم اساسی در دین راه برداشته نشده و کاری آنچنان چشم گیر عرضه نگردیده است لیکن باتمام این کمبودها تلاش هائی صادقانه معمول میگردد و کارهائی هم در دین زمینه عرضه شده که از آن جمله مجاهدتهای حوزه هنر و اندیشه اسلامی درخور تحسین و تقدیر است.

س - رابطه هنر و بیگانگی هنرمند از مردم را قبل از انقلاب تا نسی از چه میدانید آیا انقلاب اسلامی مان توانسته است تاکنون بحل این معضل همت گمارد.

ج - این سوال کلی است و روشن نیست که مراد کایه هنرمندان در رشته های مختلف هنری پیش از انقلاب یا منظور تنها شاعران و نویسندگان و انهم صریح نیست که تمام هنرمندان فارسی یا هم قرن اخیر هستند.

در پاسخ عرض میکنم که این روی

س - شما فکر می‌کنید انقلاب اسلامی تاکنون توانسته است مقوله هنر را تعریف و ارتباط آن را با آسانی معنی کند و عمدتاً این تحول و بازسازی در کدام رشته هنری تعریف یافته است؟

ج - پاسخ بدین سوال مستلزم فرصتی کافی و مجالی وسیع است و در حوصله این گفتار نمی‌گنجد پس بنا بر ضرورت اجمالاً میگویم که قسمت اول سوال باز میگردد به همان سوال کلی دیرین که پیوسته در جنب هنر مطرح بوده که آیا هنر باید بطور مطلق و رها از هر قید شرط و رادع و مانعی راه خود را به پیماید و بدون هیچ محدودیتی تظاهر و تجلی نماید یا آنکه باید در خدمت بشر و آرمانهای او در آید و عبارت روشن تر یا هنر ملزم و متعهد باید باشد یا غیر متعهد، البته این هر دو نظریه طرفداران و پیروانی دارد که هریک در باره صحت نظر خود بر اهینی اقامه میکنند که در کنایهای مربوطه مشروحا از آن بحث میکنم. اما مکتب الهی و مبتنی بر معیاری

دین و ارزشهای الهی غیر از آنست که مورد سنجش قرار میدهد و این نه تنها اختصاصی به هنر

آفرید

است اگر از هنرمندان قبل از انقلاب و هو خواهانشان سوال شود آنان خود را رب النوع هنر و تعهد میدانند و خویشان را آزارگان و پایه های فرهنگ این دیار و حقا و از نظر ذوق شاعرانه و جنبه های فنی در میان آنان افراد پرمایه و قدرتمندی وجود داشت اما روی دیگر سکه همانست که از این پیش یاد کردیم، کارایان با معیاری که اسلام برای هنرمند قائل است نمی خواند و دیدشان با این فرهنگ متفاوت است چنانکه در عمل هم دیدیم که پس از پیروزی انقلاب اکثریت قریب به اتفاق کباده کشان شعر و ادب یادم فرو بستند یا با انقلاب بمعارضه برخاستند و این را باید نشات گرفته از پیش غربی آنان و دور بودنشان از فرهنگ اسلامی دانست و از این روست که پس از پیروزی انقلاب جوانان عضو بیگانه از پیکر ادب مدافع شدند و اما انقلاب هر چند هنوز نتوانسته کار هنر را با سامان رساند و آنانکه درین خط گام برمیدارند شاید اکثرشان از نظر مایه کاری ضعیف باشند اما این قدر هست که مخلص و صادق به انقلاب و معتقد به مکتب اسلامند و امید می رود که با طالع چهره های جدید و استعداد های بالقوه که به فعلیت میرسند شعر و ادب ما پایگاه واقعی خود را بیابد و آثار نمونه ای به عالم ادب عرضه کند، کما اینکه بگفته محقق هم اکنون حدود بیست هزار بیت شعر استوار و پرمحتوا و قابل عرضه محصول بعد از انقلاب است.



نسل جوان را به سرودن شعر سنتی و کلاسیک بیشتر می بینیم اکثر آنان که سبکات شعر سپیدورها از وزن و قافیه می گفتند اگر در آنان احساس و قریحه موزون سرائی وجود داشته شعر قدیم رو آورده و آثار نسبتا خوبی عرضه کرده اند و این خود نوید و مایه امید است که شعر و ادب انقلاب راه و رسم شایسته و درخورد خود را احراز کند و آثار ارزشمندی عرضه نماید، و نیز سخنی دارم باز مره شاعران و ادیبانی که پرمایه اند و استاد و مسلمان اما از اینکه به آنان التفاتی نشده دلسرد نباشند و با همکاری راهنمایی هایشان شعر انقلاب را بارور سازند و سرودهای خود را عرضه کنند.

همچنین آنانکه مسلمانند اما چندان نظر مساعدی با پاره ای از امور ندارند ولی معاند و دشمن نیستند بیایند و بر اساس عقیده و باور خویش و سعادت انسان در جهت پیشبرد این انقلاب که در نهایت

بعضی از رشته های هنرمانند موسیقی آنچنان پیچیده و دقیق است که هیچ فقیهی نمیتواند بسادگی درباره آن حکم کند و حدیثین مجاز و غیر مجاز آنرا مشخص نمایند و اینها مستلزم وقت است.

س - بنظر شما انقلاب چه تاثیری بر فرم و محتوا و عناصر شعر و در مجموع در شخصیت شاعران داشته است.

ج - بی تردید وقوع این انقلاب عظیم و کم نظیر در کلیه شئون زندگی ما تاثیر عمیق داشته از جمله در شعر و ادب این سرزمین زیرا شور و تحرکی که در ذات و در نفس انقلاب بود و از سویی به سوی دیگر حوادث و رویدادهای پیاپی که خود هر یک زمینه ای مساعد برای خلق آثار نو بودند تحولی در شعر و ادب ما پدید آمد. و علت ایجاد تعبیر و ترکیبات تازه ای در فرهنگ شعر شد و از تاثیر عمده این تحول آنست که مارغبت و علاقه

پیروزی کامل آن پیروزی محرومان جهانست همکاری و همگامی کنند.

س - ۶ بنظر شما شعری که امروز بتواند رسالت خود را به اسلام و دین خود را بجامه ادا کند و در عین حال پویایی خود را حفظ نماید باید از چه خصوصیات برخوردار باشد؟ خصوصیات برخوردار باشد؟

ج - همانطور که قبلا متذکر شدیم پیش اسلامی در تمام موارد با نظرات و پیش های مادی و معنوی متفاوتست و علت آنست که این مکتب همه چیز را در جهت کمال انسان و رسیدن او بکمال مطلق

بکار میگیرد و فرهنگش نیز دارای چنین درون مایه ای است چنانکه عملا در تاریخ آزموده شده، اسلام از عرب خود خوار و فاسد و منحط جاهلی در اندک زمان انسانهایی ساخت که رب النوع عشق و ایثار بودند و جهان آن روز را تسخیر کردند پس این فرهنگ دارای چنین اکسیر اعجاز آمیزی است

* وجود برادر ارجمندمان جناب حجت الاسلام خامنه ای که خود از بزرگان صاحب نظر در امور هنری هستند در رأی قوای اجرائی موجب امید است.

وظیفه شاعر است که هر چه بیشتر خود را با این فرهنگ و روح آن آشنا کند و ازین گنجینه خدائی بهره گیرد و ذهن و اندیشه خود را بارور سازد آنگاه آنگاه و با مهارت این دریافتهارا با انتخاب بهترین تعبیر و ترکیبات و کلمات بذهن جامعه منتقل سازد که اگر چنین توفیقی حاصل کند رسالت خود را بنحو شایسته ای انجام داد، شعرش نیز پویایی و تحرک خواهد داشت و خوشبختانه در مورد شعر محدودیت هائی که در برخی از رشته هنر هست وجود ندارد نمونه های کامل و جالبی هم که معصوم بر آنها صحنه گذاشته و از عناصر قوی برخوردار است موجود میباشد و اگر تاکنون درین زمینه آثار زیادی عرضه نشده بعلت ضرورت زمان و اقتصادی شور انقلاب بوده که نوعا تقاضای سخنان تحریک کننده و شعارگونه را می نموده است.

ش - ۷ شما حساسیت شاعران مسلمان را در برخورد بر فرم شعر قدیم و زیبایی ناسی از چه میدانید و حل این مسئله را چگونه می بینید؟

ج - من قبلا در مصاحبه ای بدین مطلب اشاره کرده ام که طرح مسئله شعر نو و کهن در رژیم قبل وسیله زمینه ای بود در کنار سایر زمینه برای انعطاف و انحراف مردم از واقعیت های موجود و کشیده شدن به چنین جنجالها کاذب و دروغین که عده ای عالما و عاملا عمل میکردند و گروهی از - رجهل به این آتش دامن میزدند خوشبختانه در حال حاضر بفضل خداوند چنین زمینه ای وجود ندارد که این بحث بار دیگر منشاء هیاهو و جنجال گردد، هر چیز که از جمله سخن و کلام است اگر در خود عناصر حیات را دارا باشد می باید و می ماند و گرنه خود بخود از میان می رود و این اختصاص به نو و کهنه ندارد. در پایان برای حسن ختام سحرم را با ترجمه نو آیه از سوره مبارکه ابراهیم خاتمه میدهم که میفرماید بینی که خداوند چگونه سخن پاکیزه را بدرختی آراسته مثل زد که بیخ آن در زمین استوار است و شاخه و شاخه های سرکشیده بر آسمان که هر زمان و بوقت خود میوه خویش را باذن پروردگارش می دهد، و مثل سخن ناز است و نادرست چون درختی است تلخ و ناخوش که ریشه آن در زمین قرار ندارد و استواری نیست. والسلام